

جورج رالینسن در سال ۱۸۷۲ کتاب مهم خود را به نام ششمین پادشاهی بزرگ شرقی یا تاریخ اشکانی در ۴۳۰ صفحه به چاپ رسانید.<sup>(۱)</sup> رالینسن که باید او را از نوایغ تاریخ شمرد در صد و پنجاه سال پیش کاری کرد که ما امروزه هنوز با آن مشکل فراوان داریم، و آن نوشتن تاریخ مدونی از سلسله‌ای است که از خراسان بزرگ (آسیای میانه) تا سوریه را دربر می‌گرفته است و با چینیان و کوشانیان در شرق و در غرب با رومی‌ها یکی از چهار تمدن مهم جهان باستان را تشکیل می‌داده است. اما متأسفانه به دلایل متعددی ما هنوز نتوانسته‌ایم تاریخ کاملی از این دوره از تاریخ ایران و خاورمیانه را بنویسیم. شاید دلیل نخست از بین رفتن منابعی می‌باشد که نویسندگان یونان به آن استناد می‌کنند. ما می‌دانیم که در گذشته خود پادشاهان اشکانی دستور به نوشتن تاریخ اشکانی را داده بودند و نسخه‌ای از آن نیز تا قرن اول میلادی وجود داشت. کتاب‌های ۳۷ تا ۴۲ نوشته تاریخدان رومی در قرن اول قبل از میلاد، یعنی پمپی تورگوس حکایت از این حقیقت می‌کند. اما در متون ایرانی چیز زیادی در خاطره تاریخی نمانده است و احتمال دارد که دلیل بازگو کردن این حقیقت به گفته فردوسی<sup>(۲)</sup> این باشد که ساسانیان سعی در پاک کردن و یا شاید دوباره نویسی تاریخ گذشته داشتند.

1) G. Rawlinson, *The Sixth Great Oriental Monarchy*, New York, 1872.



• دکتر تورج دریایی

در دوران معاصر دلیل نادیده گرفتن اشکانیان این است که بخاطر نمای هلنی اشکانیان در سیستم نوشتاری و هنری، خیلی‌ها که درباره تاریخ ایران تحقیق می‌کنند آن‌ها را نادیده گرفته‌اند. دوستان تاریخ ایران باستان معمولاً هخامنشیان را مد نظر قرار داده و سپس از سلوکیان و اشکانیان گذشته و به ساسانیان می‌رسند. در این میان پادشاهی‌های یونانی‌پرست (فیل هلن) وجود دارند که شاید برای ما اهمیت چندانی نداشته باشد. البته این دید اشتباه است. مشکل بزرگ‌تر این است که مطالعه تاریخ اشکانی متدلژی و آشنایی با متون بخصوص خود و زبان یونانی و لاتین دارد. اما از سوی دیگر تاریخ‌دانان دنیای هلنی و یونانی، اشکانیان را پادشاهی در نماد هلنی، ولی بربرگونه که از شرق به پا خاسته و به دنیای مدیترانه حمله‌ور شده می‌پندارند. برای همین ارزش آنچنانی برای این سلسله قائل نیستند و معمولاً درباره اشکانیان مطالعه‌ای انجام نمی‌گیرد، مگر آنکه در رابطه با جنگ‌های سلوکیان و یا رومیان با آنان باشد. پس از رالینسن در آمریکا دیویز بهترین تاریخ سیاسی اشکانی را در قرن بیستم قلم زد.<sup>(۱)</sup> مطالعات بعدی در این قرن نیز از همین کار دیویز الهام گرفته شده است. دیوید بیوار که فصل تاریخ اشکانی را در تاریخ کامبریج ایران نوشته بود در همان نخست ذکر کرد که کارش بر حسب همین کتاب مهم دیویز بوده است.<sup>(۲)</sup> البته در نیمه دوم قرن بیستم چند مطالعه مهم

1) N.C. Debevoise, *A Political History of Parthia*, Chicago, 1932 (2<sup>nd</sup> edition 1968).

2) A.D.H. Bivar, "The Political History of Iran under the Arsacids," *The Cambridge History of Iran*, vol. 3(1), ed. E. Yarshater, Cambridge, 1983, p. 21.



• روی جلد «کتاب امپراطوری اشکانی: اسناد و منابع» نوشته یوزف ویسهوفر

دیگر، یکی به روسی نوشته کشلنکو به نام تمدن اشکانی<sup>(۱)</sup>، و یکی توسط ملکم کالج به انگلیسی<sup>(۲)</sup>، و دیگری به آلمانی، نوشته کلاوس شیپمان<sup>(۳)</sup> گام‌های مهمی در شناخت تاریخ و تمدن اشکانی بودند. در کنار کتاب شیپمان این کتاب یوزف ولسکی بود که از دید تاریخ‌نگاری و مطالعه منابع بهترین کتاب تاریخ اشکانی را نوشته است.<sup>(۴)</sup> در حقیقت کتاب ولسکی نهایت مطالعه بر حسب آنچه ما در قرن گذشته درباره اشکانیان می‌دانسته‌ایم می‌باشد. سؤال اکنون این بود که چگونه می‌توان در شناخت و مطالعه تاریخ و تمدن ساسانی پیشرفت کرد.

در سال ۱۹۹۶ تاریخ‌دان ایران و جهان باستان، یوزف ویسهوفر کنفرانسی تشکیل داد که حاصل آن چاپ کتاب ۵۷۹ صفحه‌ای بنام امپراطوری اشکانی: اسناد و منابع بود.<sup>(۵)</sup> بنظر من

1) G.A. Koshelenko, *Kultura Parfi*, Moskva, 1966.

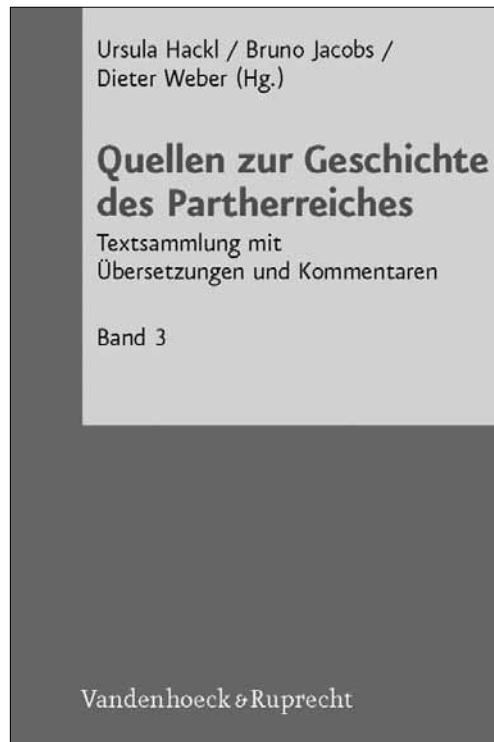
2) M.A.R. Colledge, *The Parthians*, Prager, 1967.

3) K. Schippmann, *Grundzüge der parthischen Geschichte*, Darmstadt, 1980.

4) J. Wolski, *L'Empire des Arsacides*, Acta Iranica 32, Leuven, 1993.

5) J. Wieshofer, ed. *Das Partherreich Und Seine Zeugnisse =: The Arsacid Empire--Sources and Documentation: Beitrge Des Internationalen Colloquiums*, Eutin (27.-30. Juni 1996), 1998.

این کتاب مهم اکنون به فارسی نیز ترجمه شده است: امپراطوری اشکانی و اسناد و منابع آن. گردآوری یوزف ویزهوفر. مترجمان هوشنگ صادقی. خشایار بهاری. فرید جواهر کلام. آرزو رسولی. نشر فرزاد روز. تهران. ۱۳۹۲.



• روی جلد کتاب « »

این کتاب راهگشای مطالعات نوین تاریخ و تمدن اشکانی است چون تمامی منابع بازمانده که گه‌گاه بدون آشنایی به متدلژی از آنها استفاده شده را این کتاب دوباره بازبینی کرده است. از اوستا گرفته تا منابع میخی بین‌النهرین تا سکه‌شناسی و یافته‌های باستان‌شناسی همه و همه مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفتند. از متون چینی تا لاتین، همه مد نظر قرار گرفته‌اند و دسته‌بندی شده‌اند.

اما کتاب دیگری که به تازگی در سه جلد به چاپ رسیده تمام متون بازمانده و شناخته‌شده درباره تاریخ و تمدن اشکانی را جمع‌آوری کرده و کنار هم گذاشته و توضیحات مفیدی درباره هر کدام از آنها را ارائه داده است.<sup>(۱)</sup> باید گفت که این کاری است بسیار ارزنده، چون منابع نوشته‌شده درباره اشکانیان به زبان‌های متعدد می‌باشد و کمتر کسی می‌تواند همه آنها را بداند. برای همین افراد متخصص دور هم جمع شده‌اند که این کار را انجام بدهند. جلد اول کتاب حاوی یک پیشگفتار و نود صفحه منبع‌شناسی تمدن اشکانی است و سپس مقالات مهمی را درباره معرفی تاریخ و جغرافیای دنیای اشکانی در بر دارد. این مقالات از مطالعه

---

1) Ursula Hackl, Bruno Jacobs, Dieter Weber, *Quellen zur Geschichte des Partherreiches. Textsammlung mit Übersetzungen und Kommentaren*, Vandenhoeck & Ruprecht, Göttingen, 2010.

دوران هلنی گرفته تا روابط روم و ایران را مد نظر قرار می‌دهد و تفسیر و مطالعه مهمی درباره دنیای اشکانی می‌باشد.

دیتر وبر، محقق بزرگ متون میانه ایرانی درباره سفال‌نوشته‌ها و نام‌نامه اشکانی نوشته عالمانه‌ای دارد. در آخر جلد اول، لیست تمام منابع دست اول که اشکانیان در آن عنوان شده‌اند وجود دارد، از متون پالمیر (تدمر) گرفته تا منابع به زبان یونانی و غیره همه و همه در آنجا ذکر شده است. همچنین نقشه‌های خوبی در آخر کتاب گنجانده شده. جلد دوم منابع رومی را عیناً با ترجمه آلمانی آن منعکس کرده و سپس منابع پارتی، بخصوص سفال و چرم‌نوشته‌ها و کتیبه‌ها نیز ترجمه شده‌اند. در پایان جلد دوم سکه‌های رومی که با دنیای اشکانی مرتبط می‌باشند و همچنین سکه‌های اشکانی نیز مطالعه شده است. جلد سوم با منابع نجومی و غیر نجومی از بین‌النهرین (میان‌رودان) آغاز می‌شود و سپس منابع آرامی که شامل متون سریانی، تلمود، و کتیبه‌ها و نوشته‌ها در دورا اروپس، پالمیر (تدمر) جمع‌آوری شده‌اند و سپس منابع ارمنی و عربی و بالاخره منابع مهم چینی نیز ترجمه شده‌اند.

بی‌شک این کتاب باید به فارسی ترجمه شود تا تمام منابع بازمانده اشکانی در دسترس دانشجویان و محققان تاریخ این دوره قرار گیرد. اکنون با در دست داشتن این دو کتاب درباره منابع‌شناسی تاریخ اشکانی ما می‌توانیم به فکر نوشتن یک تاریخ جدی شاهنشاهی اشکانی باشیم. حال تاریخ‌دانان می‌توانند این کار را آغاز کنند.